

پیام کمیته هماهنگی شورای وقت سوسیالیستهای چپ ایران

با درود به دوستان جمهوری خواه دموکرات ولایتک ایران

ما ضمن تبریک به برگزاری پنجمین نشست سراسری شما، وظیفه خود دانستیم که در این رابطه ضمن بیان آرزوی موفقیت در پیشبرد اهدافتان چند نکته را یاد آور شویم.

ما همیشه مواضع سیاسی جدل را در مبارزه با جمهوری اسلامی پشتیبان بوده ایم و لائیسیت را به عنوان تأکیدی بر جدائی دین و دولت مورد توافق و تأیید قرار داده ایم.

همبستگی ما با جمهوری خواهان دموکرات ولایتک ایران در چندین بعد قابل بیان است. یکی موضع شفاف و روشن آنها در مبارزه با جمهوری اسلامی و استبداد دینی حاکم در ایران، که با صراحت در تحلیلهای تاکنونی خود در مخالفت با قانون اساسی، قوانین قضائی و مواضع ضد انسانی و ضد زن نظام جمهوری اسلامی بیان کرده اند.

دیگر آنکه با پافشاری بر لائیسیت و جدائی دین و دولت بر اهمیت آزادی عقیده و دموکراسی تأکید کرده اند و با تعریفی از دولت جدا از عقاید و مذاهب بر گسترش ارزشهای انسانی، حقوق بشر و حقوق شهروندی در راه ایجاد جامعه ای دموکراتیک تلاش کرده اند.

و اضافه براین با دفاع خود از تلاش مردم برای گسترش تشکلهای سیاسی، انجمنها و سندیکاهای کارگران و زحمتکشان، در حفاظت از دموکراسی و حقوق انسانی بر اهمیت حاکمیت مردم و دخالتگری آنها در امور سیاسی و اجتماعی جامعه تأکید کرده اند.

متأسفانه جنبش خارج کشور اسیر فرقه گرائیها و خودخواهی های سیاسی است، ولی جنبش جمهوری خواهان دموکرات ولایتک توانسته با حفظ اصول دموکراتیک خود این مشکلات را پشت سر بگذارد و همچنان یک جریان سیاسی مطرح جنبش دموکراسی خواهی ایرانیان در خارج کشور باشد.

ما ضمن آرزوی موفقیت اپوزیسیون در برچیدن بساط نظام جمهوری اسلامی از تلاش و مبارزه همه تشکلهای سیاسی جمهوری خواه علیه جمهوری اسلامی بخصوص جمهوری خواهان دموکرات و ولایتک ایران پشتیبانی می کنیم.

دوستان عزیز

ما مشوق و همراه شما در مبارزه ای که در پیش گرفته اید هستیم و
آرزومند نشست موفقیت آمیزی برای شما !
کمیته هماهنگی شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران

در گفتگو با کاوه قریشی

متوقف کردن ولی فقیه به نفع جامعه است

گفتگو کاوه قریشی با مهرداد درویش پور، منصوره شجاعی و مهران
براتی در باره انتخابات ریاست جمهوری

فعالین سیاسی و مدنی در مصاحبه با روز این گمانه زنی را که
حاکمیت برای برون رفت از وضعیت فعلی از ریاست جمهوری علی اکبر
هاشمی رفسنجانی حمایت کند، بعید می خوانند. مهران براتی، فعال
سیاسی معتقدست «نظام بر ادامه روشی که تاکنون پیش گرفته مصمم است»
و مهرداد درویش پور، استاد دانشگاه نیز بر این باورست که «هر نوع
شکاف در حاکمیت، تحرک در فضای سیاسی و متوقف کردن پیشروی ولی
فقیه، به سود جامعه است». منصوره شجاعی، فعال حقوق زنان نیز ضمن
تاکید بر اهمیت «صندوق رای و مفهوم حق» میگوید «برای ارزیابی
سناریوهای پیش رو در انتخابات باید منتظر برنامه ها و نحوه
رویارویی نامزدها با مطالبات چهارسال گذشته و مطالبات جدید جامعه
ماند».

برای رقابت در یازدهمین دور انتخابات ریاست جمهوری ایران که
نزدیک به یک ماه دیگر برگزار می شود، چهره های مختلف جناح های
سیاسی ثبت نام کرده اند. رای گیری روز ۲۴ خرداد ماه از این رو
اهمیت دارد که اولین انتخابات پس از انتخابات مناقشه برانگیز سال
۱۳۸۸ است و در شرایطی برگزار می شود که کشور به لحاظ اقتصادی و
سیاسی در عرصه سیاست داخلی و بین المللی در یکی از بحرانی ترین
دوره های خود قرار دارد. در این مورد با مهران براتی، مهرداد درویش
پور و منصوره شجاعی، فعالین سیاسی و مدنی گفت و گویی کرده ایم که
در زیر می آید.

حاکمیت در تداوم روش خود مصمم است

مهران براتی در تحلیل احتمالات انتخابات پیشرو می‌گوید: “سناریوهای گوناگونی می‌توان متصور شد. اگر از دیدگاه حکومت نگاه کنیم آقای رفسنجانی بهترین گزینه بودند برای اینکه جلو فروپاشی این نظام را بگیرند. ایشان این امکان را از همه لحاظدارند، ولی به نظر نمی‌رسد آقای خامنه‌ای تمایلش به سوی هاشمی باشد. او می‌خواهد به سیاست گذشته ادامه دهد.”

مهرداد درویش پور اما با اشاره به عروج آنچه او “بنیادگرایی اسلامی در ایران” می‌خواند، می‌گوید: “این جریان با یک کودتای انتخاباتی تعرض مجدد خود را آغاز و تلاش کرد با اختناق بیشتر جامعه را در حوزه دانشگاه، حقوق مدنی و سایر حوزه‌ها به نوعی طالبانیزه کند. این جریان می‌خواهد جامعه مدنی را به گونه‌ای محو کند و اگر نتواند این کار را انجام دهد پست ریاست جمهوری را به نوعی بی‌ارزش و بی‌خاصیت خواهد کرد تا اقتدار مطلقه ولایت فقیه پابرجا بماند.”

وی می‌افزاید: “اگرحتی یک عقلانیت پراگماتیستی راهنمای عمل حاکمیت بود، باید شرایطی فراهم می‌کرد که نیروهای پراگماتیست‌تری مانند هاشمی به میدان بیایند. اما به نظر می‌رسد، رویه‌ای که انتخاب کرده‌اند در واقع بریدن نفس جامعه است، به گونه‌ای که جریان‌های اصلاح طلب که هیچ، حتی پراگماتیست‌ها و جریان‌های ناسیونال اسلامی مانند مشایی هم تحمل نمی‌شوند.”

اما اینک هاشمی رفسنجانی ثبت نام کرده. می‌ماند یا او را از میدان دور می‌کنند؟ مهران براتی معتقد است: “برای اینکه آقای هاشمی از میدان دور شود بهترین گزینه این بود که آقای مشایی می‌توانست در انتخابات شرکت کند. اما اکنون شرایطی پیش آمده که آقای احمدی نژاد به دلایل مختلف، بدون آقای مشایی هم احتمال گرفتن آرائی برای نامزدش را دارد.”

او در توضیح این دلایل از جمله به حضورگروه‌هایی مانند بازنشستگان و کسانی که دریافت یارانه را مثبت می‌دانند اشاره می‌کند و همچنین تولید کنندگانی که از شرایط تحریم منتفع شده‌اند. او بر این باورست که این گروه‌ها ممکن است پشت سر احمدی نژاد قرار گیرند.

با این وجود چه سناریوهایی را می‌توان برای این انتخابات پیش بینی کرد؟ مهرداد درویش پور می‌گوید: “اگر مشایی رد صلاحیت شود، به نظر من تکثرگرایی در جامعه شدت پیدا خواهد کرد. این شدت گرفتن حتی ممکن است به این منجر شود که مردم به رفسنجانی که نماد سرکوب،

نماد حاکمیت و در واقع ذی نقش در بسیار از فجایعی است که جمهوری اسلامی به بار آورده، رای دهند تا بدین طریق جلو اقتدار ولی فقیه را بگیرند.

مهران براتی اما در مورد گمانه‌های قابل طرح در ارتباط با با هاشمی رفسنجانی می‌گوید: " شانس او این است که با رای هواداران حکومت به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود. چون اگر قرار باشد با رای امثال ما به حکومت برسد حتما در این بازی شانس نخواهد داشت. شانس او در این است که چنین نقشی پیدا کند، ولی حکومت حاضر نیست این نقش را به او بدهد. بنابراین می‌ماند بازی میان طرفداران احمدی نژاد و دیگر نامزدهای اصولگرایان مانند ائتلاف پیشرفت و آقای جلیلی."

مهرداد درویش پور با اشاره به تلاش حاکمیت برای ممانعت از حضور خاتمی که به گفته او "پیروزی‌اش قطعی بود" می‌گوید: "در دقیقه نود حضور مشایی و هاشمی به نظر من یک مقدار معادله سیاسی در جامعه ایران را دستخوش تحول کرد. به این معنی که سناریوی پیشین که می‌خواستند به نوعی بی دردسر یک رئیس‌جمهوری را به جامعه تحمیل کنند، عملاً به عقب رانده شد."

درویش پور می‌افزاید: "اما هنوز هم اصولگرایان ممکن است با تقلب انتخاباتی و ترفندهایی که پیشتر به کار برده‌اند، تنور انتخابات را داغ و نماینده خودشان را تحمیل کنند. اما واقعیت این است که بن بست سیاسی جامعه ایران به گونه‌ای شده که هم مردم هم حکومت در نوعی گنجی به سر می‌برند؛ موقعیتی که به نظر من هیچکس نمی‌تواند خود را به سادگی بر دیگری تحمیل کند."

این استاد دانشگاه می‌افزاید: "فکر می‌کنم بسیاری از نیروهای رادیکال جامعه به آقای هاشمی رای نخواهند داد. در این تردید نیست. اما فکر می‌کنم در بین سه گروه شکاف قدرتمند صورت خواهد گرفت. یکی خود اصولگرایان هستند، جمعی از آنها به سمت برخورد معتدل‌تر با رفسنجانی خواهند رفت و سناریویی پراگماتیستی را دنبال می‌کنند ولی بخش دیگرشان هم حمله‌های شدید خواهند کرد. در میان اصلاح طلبان هم به نظرم شکافی ایجاد خواهد شد. اصلاح طلبان رادیکال تمایل چندانی ندارند که خود را با رفسنجانی تداعی کنند، اما اصلاح طلبان میانه رو این بلوک را ایجاد خواهند کرد. در نتیجه فکر می‌کنم بخش قابل توجهی از اصلاح طلبان پشت سر آقای رفسنجانی خواهند رفت و ائتلاف پراگماتیسم و اصلاح طلب را شکل خواهند داد."

مهران براتی هم می‌گوید: "فعلاً ما در مسابقه و میدان بازی گروه‌هایی

قرار داریم که درون حکومت هستند. ما جزو شرط بندهای بیرون گود هستیم که حدس می زنیم در این بازی کدام یک برنده خواهد شد." درویش پور اما در تحلیل نهایی بر این باور است که: "هر گسترش شکاف در حاکمیت تحرک در فضای سیاسی و متوقف کردن پیشروی ولی فقیه به سود جامعه است؛ آن فرایندی که حکومت کار را به آنجا برساند که حمله نظامی صورت بگیرد و جامعه شیرازه اش از هم بپاشد. متوقف کردن این پروژه به خودی خود گامی است مثبت. باید از هر گونه عقب نشینی حکومت استقبال کرد، گرچه جامعه نباید خواست های خود را به خواستهایی که آقای رفسنجانی و دیگر نمایندگان حاکمیت دارند، تقلیل بدهد."

البته هنوز همه گروه ها و فعالان اجتماعی به طور صریح ارزیابی خود را از احتمالات و سناریوهای پیش رو ارائه نداده اند. در همین ارتباط منصوره شجاعی، فعال زنان می گوید: "بحثی که الان داریم مفهوم حق و صندوق رای است. این نکته باید بررسی شود که از طریق رای دادن چقدر می توان به حقوق خود دست پیدا کرد؟ مثلاً جنبش زنان در انتخابات آینده از طریق صندوق رای به کدام یک از مطالبات خود می رسد؟ وقتی این نسبت تعریف شود، حضور زنان در انتخابات نیز می تواند تعریف شود."

او می افزاید: "با اتفاق هایی که افتاده و شرایط فعلی، باید منتظر برنامه نامزدها ماند. آیا این برنامه ها به مطالبات جریان های مختلف نزدیک است؟ ما هنوز چیزی ندیده ایم و در فضایی هستیم که مشخص نیست برنامه نامزدها به چه صورت خواهد بود."

به نظر این کنشگر اجتماعی "باید دید این انتخابات در چه شرایطی اتفاق می افتد و چقدر نگاه نامزدها به حقوق جامعه است و به اینکه تا چه حد جامعه را به سمت مطالبات دمکراتیکی که از چهار سال پیش تا به حال مطرح می کنند، پیش ببرند. به هر حال چهار سال پیش مردم با حضور در خیابان به نتایج یک انتخابات اعتراض کردند." به گفته خانم شجاعی "مطالباتی که آنزمان مطرح شد هنوز هم پا برجاست. باید دید برنامه هایی که ارائه می شوند چقدر ادامه آن مطالبات است و به چه میزان بر آنها افزوده شده. چون می دانیم مطالباتی مانند آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصر هم بر مطالبات مردم انباشت شده است."

گفتگو امیر صفاریان با مهرداد درویش پور در باره انتخابات ریاست جمهوری در ایران

نظرتان در باره انتخابات در جمهوری اسلامی چیست؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی و نهادهای غیر انتخابی آن که بر تئوکراسی استوار است، اساساً امکان یک انتخابات دموکراتیک و آزاد بر پایه موازین بین المللی حقوق بشر را سلب کرده است. از اینرو به عنوان فردی لائیک که اقتدار دینی را نظامی مبتنی بر تبعیض و غیر دموکراتیک می دانم، تمایلی به شرکت در انتخاباتی که بیش از آن که چالشی علیه استبداد دینی باشد، برای آن مشروعیت زایی کند، ندارم. با این همه بر این باور نیستم تنها ماهیت نظام های موجود، تعیین کننده رفتار انتخاباتی است، بلکه سنجش سود و زیان سیاسی در ارزیابی از رفتار انتخاباتی مهم است. مبارزه سیاسی به انتخابات محدود نمی شود، اما انتخابات هم یکی از حوزه های مهم مبارزه سیاسی است. بنابراین اگر بفرض در یک نظام استبدادی شرکت در انتخابات بتواند بیش از مشروعیت زایی برای حکومت، گشایشی در فضای سیاسی جامعه ایجاد کند، باید به آن همچون حوزه ای از کارزار سیاسی نگریست. لازم نیست متخصص مسایل سیاسی و یا صاحب نظر بود تا این منطق فهمیده شود. مردم خود این منطق را در چند دوره معین در جمهوری اسلامی نشان داده اند. شرکت گسترده مردم در انتخابات ۲ خرداد ۱۳۷۶، انتخابات ۲۲ خرداد دوره دوم کاندیداتوری خاتمی، انتخابات مجلس ششم و بالاخره در انتخابات سال ۸۸، نشان گر منطق واقع گرایانه مردمی است که به محض آن که احساس کردند می توانند از فرصت سیاسی ایجاد شده به قصد گشایش فضای سیاسی در انتخابات با تمام نواقص و معایب آن استفاده کنند تردید نکردند.

آیا با همین منطق نباید به امید ایجاد گشایش در فضای سیاسی در انتخابات پیش رو نیز شرکت کرد؟

خیر! به گمانم پس از سرکوب جنبش سبز و تحولات تا کنونی پس از آن، جامعه وارد مرحله تازه ای شده است. رهبری نظام مایل نیست به هیچ وجه عقب نشینی بکند. مرد هم به خاطر اعتراض شان به نتایج دستکاری شده انتخابات، با سرکوب و تحقیر روبرو شدند و دیگر تمایل چندانی برای شرکت در انتخابات از خود نشان نمی دهند. نحوه برخورد حکومت با جنبش سبز نشان دهنده این بود که نظام روی کار آمدن دوباره اصلاح طلبان را تحمل نمی کند و مردم هم سخت مایوس و سرخورده شده اند. بدین معنی جامعه دیگر از این مرحله عبور کرده است و تکرار حوادثی نظیر انتخابات ۸۸ و جلب نظر دوباره مردمف ابداً کار ساده ای نیست. کودتای سال ۳۲ و پیامدهای بعدی آن تجربه تاریخی عبرت انگیزی است. شاه فکر کرد یک دهه پس از کودتا، مردم تحقیری را که

با آن روبرو شده بودند فراموش کرده اند. اما با آن که انقلاب سفید شاهانه دستاوردهای مثبتی هم برای جامعه در بر داشت - جز جبهه ملی که با شعار اصلاحات آری، دیکتاتوری نه با آن دو گانه برخورد کرد- مردم تره ای هم برای آن خورد نکردند! به جای آن، به محض آن که در سال ۵۶ کوچکترین گشایشی در فضای سیاسی جامعه بر اثر فشار حقوق بشری کارتر ایجاد شد، دیگر نه از تاک نشانی ماند و نه از تاکستان!

با توجه به شکاف گسترده ای که بین دولت و ملت در پی سرکوب جنبش سبز ایجاد شده است، به نظر مسئله شرکت گسترده مردم در انتخابات منتفی است. تنها اگر موسوی و کروبی مردم را به انتخابات فرا بخوانند، احتمال آن که شرکت در انتخابات گسترده تر شود وجود خواهد داشت. سکوت آنها و یا مخالفت تلویحی آنها باعث می شود بخش قابل توجهی از کسانی که به اصلاح طلبان رای دادند نیز در این انتخابات شرکت نکنند. یعنی اگر در جامعه احساس شود که اصلاح طلبان زرد و یا نیروهای پراگماتیست به قصد شرکت در انتخابات پیش رو، نماد های جنبش سبز را دور می زنند و به سمت سازش با حکومت گام برمیدارند، بخشهای رادیکال تر اصلاح طلب موضع خواهند گرفت و در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

یعنی حتی اگر از حصر هم پیامی مبنی بر شرکت در انتخابات بیاید بنا بر اینکه برای مثال یک کاندیدای اصلاح طلب درجه دوم هم معرفی شود آیا به نظر شما باز هم مردم شرکت گسترده خواهند کرد؟

دو مولفه میتواند احتمال شرکت در انتخابات را افزایش دهد. یکی عقب نشینی حکومت است که هیچ نشانه جدی از آن در دست نیست. سران نظام در این زمینه واکنش های متفاوتی از خود نشان داده اند. گاه افرادی نظیر عسگر اولادی میایند و میگویند: موسوی و کروبی جزو فتنه گران نیستند و یا اصلاح طلبان به شرکت در انتخابات تشویق میشوند و گاه گفته میشود ما به هیچ وجه با فتنه گران سر سازش نداریم و اصلاح طلبان میانه رو تر به برائت از "فتنه گران" فرا خوانده و حتی خاتمی نیز مفسد فی الارض خوانده می شود. بنا براین در عین حال آن که صدا های مختلفی در حکومت شنیده می شود، در حال بازی دادن اصلاح طلبان نیز هستند. در مورد رفسنجانی نیز یک روز بخشنامه می دهند ایشان را آیت الله رفسنجانی خطاب کنید. روز دیگر تهدید می شود که در صورت کاندیداتوری رسوایش خواهند کرد! اما این گونه بازی ها و زیگزاگها هیچ نشانه ای از عقب نشینی در بر ندارد.

عامل دیگر که می توانست وسوسه شرکت در انتخابات را گسترش دهد، امید مردم به ممکن بودن تغییر اوضاع در شرایط کنونی است که تا کنون هیچ نشانه ای از آن مشاهده نمی شود. موسوی و کروبی هم در موقعیتی هستند که دعوت شان از مردم برای شرکت در انتخابات هزینه سنگینی برای اعتبار آنها در بر خواهد داشت و تا کنون نشانه ای هم از چنین تمایلی در کار نیست.

آیا حضور احمدی نژاد در انتخابات، ممکن است برخورد نظام به اصلاح طلبان را تعدیل کند؟

کمتر از دوماه به انتخابات مانده هنوز دقیقاً نمیدانیم صحنه سیاست ایران در روز انتخابات چگونه رقم خواهد خورد. به گمان ما با مثلث اصول گرایان، کاندیدای مورد حمایت احمدی نژاد و کاندیداتوری اصلاح طلبان زرد روبرو خواهیم شد. حکومت مایل است اصلاح طلبان برای عقب راندن احمدی نژاد و دمیدن در تنور انتخابات با ارائه کاندیدهای دست چندم در انتخابات حضور یابند. اما به شرطی که کوچکترین شانس برای برد نیابند و با کارت بازنده بازی نکنند! به هررو یک نکته روشن است: شکاف در جامعه اصلاح طلب در حال رشد است. تعدادی از کاندیدهای اصلاح طلب زرد و یا دست چندم ابراز آمادگی کرده اند. همچنین در حالی که نیروهای اصلی اصلاح طلب رادیکال تر تا کنون تمایلی به شرکت در انتخابات نشان نداده اند، هم اکنون هم در داخل و هم در خارج از کشور، گروه هایی "کاتولیک تر از پاپ" با نامه نگاری های سرگشاده در وصف پیامدهای حضور خاتمی در انتخابات، از او دعوت کرده اند که بر تردیدهایش غلبه کند و برای نجات کشور و "اجرای بی خدشه قانون اساسی" قدم به میدان بگذارد. این در حالی است که او و خود تصویر واقع بین تری از اوضاع سیاسی کشور نسبت به این دست از مشوقان خود دارد. بهرو بخشی از جامعه اصلاح طلب در پی اجماع بر سر خاتمی هست. اما بخشهای رادیکال تر آن هنوز برای شرکت در انتخابات متقاعد نشده اند و نگاه بدبینانه تری به انتخابات پیش رو و شرایط آن دارند. با این همه ایران سرزمین شگفتی ها است و ممکن است با حوادث غافلگیرکننده ای نیز روبرو شویم.

نظر نیروهای جمهوری خواه در باره انتخابات چیست؟

در میان جامعه جمهوریخواه نیز این شکاف به چشم می خورد. بخش قلیلی تصمیم گرفته اند از کاندیداتوری خاتمی که سهل است، حتی از کاندیداتوری رفسنجانی نیز حمایت کنند. گرچه بیشتر آنان بر سر خاتمی اجماع کرده اند. بخشی نیز نظیر خود من شرکت در انتخابات را

ابدا صلاح نمیدانند. من شخصا تا زمانیکه با تغییر جدی در وضعیت کنونی روبرو نشویم، از تحریم انتخابات دفاع میکنم. هیچ نشانه ای هم از این "تغییر جدی" نمی بینم و برآنم نباید ملت را تشویق کرد که حتی با تمام این تحقیرها بروند و در انتخابات شرکت کنند و آنها را به خواری واداشت. باید فشار آورد برای به عقب راندن حکومت. یکی از این فشارها سازمان دادن کمپین برای آزادی چهره های نمادین جنبش سبز و دیگر زندانیان سیاسی است که بدون آن گشایشی در فضای سیاسی صورت نخواهد گرفت. اقدام دیگر، کمپین دفاع از انتخابات آزاد است که مهم است با تلاش مشترک دیگر نیروهای اپوزیسیون به گفتمان همگانی در جامعه بدل گردد.

نظر شما در مورد کمپین رفع حصر موسوی کروبی و زهرا رهنورد و اینکه این کمپین نتوانسته تاکنون به یک کمپین قدرتمند تبدیل شود چیست؟

کمپین برای آزادی موسوی و کروبی و زهرا رهنورد باید خیلی زودتر از این آغاز و به یک کمپین بین المللی تبدیل میشد. اگر یک بسیج بین المللی درخوری در این زمینه صورت میگرفت میتوانست در عقب راندن حکومت اسلامی موثر واقع شود. تجربه نشان داده است زمانی که روی آزادی اشخاص معینی زوم میشود امکان و کارایی بسیج افکار بین المللی بیشتر می شود. ما قبلا برای آزادی فرج سرکوهی، اکبر گنجی، ناصر زرافشان، دانشجویان دستگیر شده در ۱۸ تیر و زندانیان سیاسی فعال حقوق زنان و تعدادی از فعالان حقوق بشر و روزنامه نگاران در ایران کوشیده ایم که در پاره ای از موارد به آزادی فرد زندانی شده نیز منجر شده است. با توجه به نقش بسیار برجسته این ۳ نفر در جنبش سبز، کمپین برای آزادی آنها نیازمند تمرکز بیشتری است. البته آستانه انتخابات بهترین فرصت سیاسی برای گسترش این کمپین است.

اما در مورد چرایی این که مبارزه برای آزادی آنها حتی در آستانه انتخابات نتوانسته به یک کمپین قدرتمند و جدی تبدیل شود باید درنگ کرد. اصلاح طلبان در دفاع از خواست های نیروهای جمهوری خواه و سکولار جامعه تا دلتان بخواهد در تمام دوره حیات خود کوتاهی کرده اند. از این رو عیجب هم نخواهد بود که این نیروها که عموما ساختار شکن هم هستند، به ویژه در خارج از کشور که حوزه اصلی نفوذ و فعالیت اشان است، چندان در سازماندهی و حمایت از چنین کارزاری بسیج نشوند.

ما برغم اختلاف نظر ها و تفاوت های فکری جدی که با گروه بندی اصلاح

طلب جامعه داریم، در همسویی مان در دفاع از آزادی سیاسی نباید تردید کنیم. علاوه بر آن در زمینه مخالفت با تحریم های گسترده ، حمله نظامی و بدیل سازی توسط قدرت های خارجی، حمایت از تحول مسالمت آمیز در کشور و رعایت حقوق بشر و حفظ یکپارچگی و استقلال کشور می توانیم همسویی هایی داشته باشیم. فهم معنای رقابت سیاسی سالم نیازمند گذار از فرهنگ خودی و غیر خودی که تنها به حکومت خلاصه نمی شود، نه تنها به گسترش رواداری در جامعه یاری خواهد رساند، بلکه اجازه می دهد آن جا که ضروری است کنار یکدیگر بایستیم و آنجا هم که نمی توانیم، برای پیشبرد پروژه های خود با یکدیگر رقابت سالم را سازمان دهی کنیم!

به نقل از روز

مصاحبه با اصغر اسلامی و احسان دهکردی

مصاحبه با اصغر اسلامی و احسان دهکردی در باره نشست پنجم
جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران را در پیوند زیر ببینید

<http://youtu.be/lg99EUNzgoU>

در تکاپوی همایشی ممکن، گفتگوی سیروس ملکوتی با مهرداد درویش پور

در آستانه پنجمین گردهمایی جمهوری خواهان دمکرات و لائیک

سیروس ملکوتی: هنگامی که از اپوزیسیون سخن میگوییم دو تصویر برایمان ترسیم میگردد ، دو تصویر از هستی اعتراض و بدیل. به نظرم اپوزیسیون ایرانی با همه گوناگونی درونیش توانست نقش معترض و مخالف ارزشهای جاکم بر سرنوشت سیاسی کشورمان را (در تقابلی با نظام جمهوری اسلامی) به روشنی و با گستره ای ستایش آمیز به تصویر بکشاند ، اما در فرایند تبدیل اعتراض به بدیل هنوز پس از سی و چهار سال سرگردان میدان گفتگو، نشستها و رایزنیهایست که آن را از میدان مبارزات حقیقی و سازماندهی مبارزاتی به پس رانده است . هنوز نه مدیریت بر اعتراضات اجتماعی را پدید آورده و نه توانسته نیرو و برنامه جایگزینی را تدوین نموده و از خود تصویر حقیقی اپوزیسیون را به نمایش بگذارد . در چنین شرایطی شما جمهوریخواهان لائیک بار دیگر میروید تا همایشی را برگزار نمایید ، کدامیک از پرسشهای دادخواهانه عدیده سرنوشت سیاسی کشورمان را قرار است این همایش پاسخی بدهد ؟

مهرداد درویش پور: به ملاحظات درنگ انگیز شما پاسخ ساده ای نمی توان داد. اما تا آن جا که به گردهمایی پنجم جمهوری خواهان دمکرات و لائیک در هانور برمی گردد، قرار نیست در آن معجزه ای اتفاق افتد. تنها امیداورم گفتمان هایی در جهت رویکرد سوم در سیاست ورزی در جامعه ایرانی نهادینه شوند. همین که این گردهمایی یاری رساند تا جمهوری خواهان دمکرات و لائیک با به روز کردن دیدگاه هایش، تداوم حیات خود را به عنوان اپوزیسیونی تحول طلب و ساختار شکن تضمین کند؛ پروبلماتیک های امکان پذیری وچگونه گی گذار از نظام استبداد دینی حاکم را بدون تکیه بر قدرت های خارجی بررسی کند؛ صدای اعتراض اپوزیسیون لائیک و دمکرات ایرانی را رساتر کند؛ نقض سیستماتیک حقوق شهروندان را - از جمله درانتخابات پیش رو - برملا سازد؛ و بالاخره در نزدیکی با نیروهای جمهوری خواه طرفدار جدایی دین و دولت و دمکراسی و عدالت اجتماعی در کشور ایفای نقش کند، گام درخوری برداشته است. اضافه کنم تصور تمایل به بدیل سازی از سوی این مجموعه، برداشتی غیر واقعی است. نه به دلیل که ما بر آنیم ایفای نقش انتقادی و اعتراضی در پیکار سیاسی کافی است. اما ما با اپوزیسیونی که در خارج از کشور بخواهد بر فراز سر مردم برای آن سرزمین بدیل هایی از آن دست که تا کنون شاهد آن بوده ایم بسازد، مخالفیم. علاوه بر آن باید پرسید آیا یک اپوزیسیون تبعیدی که ۳۰ و اندی سال است به حاشیه رانده شده و بخش مهمی از آن پایگاه درخور توجهی در ایران ندارد و خیلی هم خود را همگام با تحولات آن جامعه به روز نکرده است، اصلا می تواند به بدیل

سیاسی فراگیری تبدیل شود؟ در میان ما برخی برای جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران نقشی یکسره اپوزیسیونالی و جنبشی قائلند و یا برآنند همچون یک محفل سیاسی باید کار خود را به ترویج گفتمان های همچون دمکراسی، لائیسیته و جمهوری و همچنین افشاگری و اعتراض و دفاع از حقوق بشر خلاصه کند. برخی نیز برآنند که جمهوری خواهان دمکرات و لائیک (جدل) در پیوند با دیگر گروه های جمهوری خواه خواستار جدایی دین و دولت و برقرای دمکراسی و حقوق بشر، می توانند به یک نیروی سیاسی موثر در آینده ایران بدل شوند. اگر چنین جریان قدرتمند جمهوری خواهی شکل بگیرد، آن نیرو و یا بلوک و یا قطب حتی می تواند در آینده ایران و در مدیریت سیاسی کشور نقش داشته باشد. چنین نگاهی شاید خیلی خوش بینانه، بلند پروازانه و دورنگرانه باشد. اما هیچ اپوزیسیون نیرومندی، هستی خود را تنها در موقعیت اپوزیسیونالی خلاصه نمی کند. حتی زاپاتیستها که از معدود اپوزیسیون های جدی ضد قدرتند، نقش خود را تا ابد به عنوان نیروی اپوزیسیونال تعریف نکرده اند. جنبش های ضد قدرت در غرب نیز هرگز مدعی آن نشده اند مایلند و یا می توانند جای سازمان ها و احزاب سیاسی را گرفته و به سیاست ورزی در معنای کلاسیک آن بپردازند. آنها جنبش هایی بنابر تعریف اعتراضی اند. جمهوری خواهان دمکرات و لائیک اما در واقع نه این است و نه آن. آرزومند است جنبش جمهوری خواهی باشد، بی آن که ماهیت و ملزومات آن را داشته باشد. برای ایفای نقش به عنوان جریانی سیاسی جمهوری خواهی که در بر گیرنده چپ های دمکرات، دین باوران لائیک و ملی گرایان باشد که بتواند در فردای ایران در مدیریت سیاسی جامعه نقشی داشته باشد نیز ملزومات دیگری لازم است که از آن بسیار بدور است. در این راستا اما ایده تشکیل بلوک جمهوری خواهان طرفدار دمکراسی و جدایی دین و دولت و یا دستکم نزدیکی با دیگر نیروهای جمهوری خواه در میان پاره ای از ما قوت گرفته است. به هر رو، یک جریان وسیع جمهوری خواهی تنها می تواند بر پایه عام ترین اصول و ارزش ها دور هم گرد آید و تصور آن که باید در باره همه چیز موضع بگیرد، آن را به یک سازمان سیاسی دیگر از نوع سازمان های موجود بدل خواهد ساخت که امکان فراگیر شدن آن را نا ممکن می سازد. با این همه، آن چه روشن است، برغم برداشت های گوناگون در این زمینه، کل این مجموعه از ایده "همایش ملی" و بدیل سازی در خارج از کشور بدور است. چنین ایده ای به نظرم بیشتر نوعی تولید "آگاهی کاذب" است.

سیروس ملکوتی: نیروی مستقر در تبعید تا کنون نتوانست به تعریف

مشخصی از ترجمان حضور تاریخی خود دست یازد . گروهی دست یازیدن به بدیل قدرت سیاسی را در رسالت نیروهای مستقر در تبعید نمیدانند و انرا محصول برآمد کنش و واکنشهای صحنه و میدان مبارزاتی در ایران میدانند. اندیشه ای دیگر اما این مهم را به لحاظ محدودیتها و تنگناهای همایش خواهانه سیاسی در ایران و اصولا عدم سازمانیابی و انسجام سیاسی در اشکالی چون حزب و یا تشکلات سیاسی در درون کشور انرا در جغرافیای تبعید امکان پذیر میدانند. نکته مهم دیگر و نقد بجا بر عملکرد نیروها و طیف های گوناگون سیاسی در تبعید، شاید در این نکته باشد که تا کنون بر تفسیر حوادث افریده شده از سوی نظام بسنده نمودند و کمتر اندیشه ای در چگونگی سازماندهی برای تغییر و گذار از سوی نظام را در تصویر سازیهای میدانی بکار گرفته اند . به همین خاطر ایا فکر نمیکنید این اپوزیسیون و نیروهای درونی ان می بایست جدا از همایش طیف خواهانه و تکرار گردهمایی های درونی ، جهت تکرار عهد و پیمان همبسته و ماندگاری خود گامی فراتر برای تغییر و گذار را در مطالبات خود بگنجانند و پیگیر گستره همایشی ملی گردند؟ همایشی که بتواند تصویر یک اپوزیسیون واقعی را ترسیم نماید ؟ اپوزیسیونی که تنها بر بنیاد نقد و وعده هستی خود را به تعریف نمیکشاند بلکه با داشتن برنامه قادر باشد قدرت سیاسی را در دست بگیرد؟

مهرداد درویش پور: ما نیازمند سنتزی هستیم که به دو گانگی داخل و خارج و شکاف بین آن نقطه اختتامی بگذارد. دو انگاره بالا یا با مطلق کردن نقش داخل و انکار نقش نیروهای خارج از کشور و تبدیل آن به جریانی پشت جبهه ای، و یا با غلو د در نقش و توان نیروهای اپوزیسیون در خارج که رسالت بدیل سازی و "نجات" کشور را در گرو به تحرک در آمدن آن می بیند، تصویری غیر واقعی از جایگاه ایرانیان تبعیدی و اپوزیسیون خارج بدست می دهد. وجود صدها کادر سیاسی و روشنفکر و رسانه ای با تجربه در خارج و هزاران هزار کادر متخصص و سرمایه انسانی مدیر و کارا و تکنوکرات و دانشمند، نقش بالقوه ای به این نیرو در ساختن ایران فردا و تاثیر گذار در افکار عمومی بخشیده است.

با این همه ساختار زندگی در تبعید، بسیاری از ما را دچار سراب و پارانویای قدرت کرده است که گویی اگر "کنفرانسی ملی" برگزار شود و یا شورا و جبهه ای "فراگیر" تشکیل شود، کار جمهوری اسلامی ایران تمام است. چند مثال از تلاش های بی حاصل چنین کنفرانس ها و بدیل سازی های مدعی "وحدت ملی" - که آخرین آن هم تشکیل شورای ملی

سلطنت طلبان به رهبری رضا پهلوی است- باید زد تا روشن شود که این گونه تلاش ها بیشتر بدرد اعتبار زدایی و غیر جدی تلقی شدن و چلبی ساری و خود را نماینده خود ساخته ملت ایران نامیدن می خورند تا اعتماد آفرینی و بدل شدن به اپوزیسیونی حقیقی و معتبر؟

توهم کسب قدرت سیاسی از خارج اگر محصول تحریکات و اغواگری های قدرت های خارجی برای پیشبرد سیاست هایشان نباشد، در بهترین حالت ریشه در ساختار زندگی در تبعید دارد که تصورات ذهنی در باره جامعه ای که ۳۰ و اندی سال است که از آن دور افتاده ایم را دامن زده است. بخشی از این خوش بینی های بهت انگیز نیز نشانگر ردپا و میراث فرهنگ و گفتمان سیاسی به جا مانده از عصر انقلاب های کلاسیک است. اما از آن جا که رواج این گونه توهمات بزرگ، نوعی اپیدمی در میان ما ایرانیان است و تنها به حوزه سیاست نیز خلاصه نمی گردد، شاید ریشه اصلی آن را باید در فرهنگ بلند پروازی و جاه طلبی های دست نیافتنی همچون بخشی از منتالیتة ایرانی جستجو کرد که در روح و روان آن جامعه نقش بسته است. برای رویکردی واقع گرایانه، نخست باید ایده نجات کشور از طریق کسب قدرت سیاسی توسط اپوزیسیون خارج از کشور را از سر بدر کرد. چنین احتمالی تنها در صورت بروز حمله نظامی به ایران میسر است و برای نیرویی که به حمله نظامی نمی اندیشد، رویکردهای دیگری موضوعیت می یابد. ضرورت روابط سیاسی و حقوق بشری با مجامع بین المللی یک حرف است، تبدیل شدن به آلت دست قدرت های خارجی برای موضوعیت یافتن و پیشبرد پروژه چلیسم امر دیگری است.

علاوه بر آن، واقعیت این است که اپوزیسیون دمکرات ایران - جز در دوران کوتاه مصدق و دوران اولیه پس از انقلاب- هرگز بدلیل سیطره استبداد نتوانسته اپوزیسیونی فراگیر، قانونی و علنی باشد. از این رو اپوزیسیون ایران با رفتارهای متعارف یک اپوزیسیون پارلمانتاریستی و یا اپوزیسیون دمکرات قدرتمندی که قادر به متحد کردن خود و ارائه بدیل باشد بیگانه است و بیشتر رل خود را به افشاگری و اعتراض محدود کرده است. از این رو موقعیت بدیل قدرت شدن درعمر طولانی اپوزیسیون سکولار و دمکرات ایران، تنها برهه ای کوتاه از زندگی سیاسی آن بوده است. اوضاع سیاسی کنونی نیز زمینه چندان دلگرم کننده ای برای تغییر این رویکرد ایجاد نکرده است. شاید برآمد دوباره جنبش های اجتماعی از نوع جنبش سبز و یا جنبش های کارگری، زنان، دانشجویان و امثال آن بتواند تحرکی در این بخش از اپوزیسیون ایجاد کند و زمینه همگرایی ها را گسترده تر و اجتناب ناپذیر تر سازد. تنها در یک توازن قوای تغییر یافته است

که مسئله بدیل از یک نظریه سیاسی به یک راه حل عملی و عاجل تبدیل می شود. تا شکل گیری چنین فرایندی نیروهای اپوزیسیون راهی جز ایجاد بلوک های قدرتمند سیاسی و سازمان دادن دیالوگ با دیگران و گسترش گفتمان انتقادی و فعالیت های دموکراتیک و حقوق بشری ندارند.

این نکته را هم باید اضافه کرد که تشنت در اپوزیسیون تبعیدی ایران، تنها ناشی از پیشینه سیاسی و خواست های متفاوت آن نیست، بلکه ریشه در گوناگونی مشی سیاسی آن هم دارد. بخشی از این اپوزیسیون همچنان در رمانتیزم انقلابی گذشته سیر می کند. اختناق سیاه دوران پهلوی و عصر پیروزی انقلاب ها در کشورهای پیرامونی در گذشته، شرایطی فراهم آورده بود که در پرتو آن، تنها اپوزیسیونی انقلابی می توانست بدیل جذاب و توانمند باشد. امروز اما عصر انقلاب های کلاسیک قهری پایان یافته است و فرهنگ اپوزیسیونی متمایز از عصر انقلابات است.

اما هنوز رفتار بخش مهمی از اپوزیسیون ایران، ملهم از انقلابی گری گذشته است. شرایط استبدادی کشور و فقدان امکان فعالیت قانونی نیز عرصه فعالیت مسالمت جویانه و پارلمانتاریستی را بر نیروهای اپوزیسیون - به جز اصلاح طلبان از قدرت رانده شده - تنگ کرده است. امری که باعث شده است انقلابی گری و آشتی ناپذیری هنوز در بخش ساختار شکن این اپوزیسیون از جذبه معینی برخوردار باشد. در خارج از کشور نیز که فعالیت سیاسی آزادانه تر است، موقعیت ذهنی گرا و حاشیه ای اپوزیسیون تبعیدی، فرهنگ عبارت پردازی انقلابی را - با آن که بازتاب اجتماعی در خوری ندارد - دو چندان کرده است. به ویژه آن که این بینش یاری می رساند موقعیت حاشیه ای خود را نهان ساخته و با رویاهای بزرگ، قد و قامت های کوچک پوشیده بمانند. طرفداران این مشی به سادگی با دیگر نیروهای اجتماعی متحد نمی شوند.

بخش مهمی دیگری از اپوزیسیون اما متأثر از تغییرات عمومی در فرهنگ سیاسی کشور و تحولات بین المللی، دگرذیسی های عمیقی یافته و به نیرویی تحول طلب بدل شده است. نیرویی که گرچه خواستار تغییر نظم موجود است، اما علاوه بر نمایندگی ارزشهای متفاوت، به هزینه، سود و زیان، رئال پلیتیک، ارزیابی از سیاست همچون هنر ممکن ها و دیپلماسی نیز می اندیشید و بر تغییر مسالمت آمیز پافشاری می کند. نیرویی که تنها به گونه ای سلبی در پی حذف نیست، بلکه به ویژه با شعار انتخابات آزاد در پی به رسمیت شناختن حضور تمام نیروهای سیاسی در ایران است. طرفداران این بینش که بیشتر در میان جامعه

جمهوری خواه به چشم می خورند، هم در پی رقابت سیاسی سالمند و هم به همگرایی و همزیستی و همگرایی می اندیشند.

بخش بزرگتری از اپوزیسیون امروزی که از قدرت رانده شده اند، نیروهای اصلاح طلب هستند که بیشتر در پی حفظ نظام و اصلاح آنند تا ایفای نقش یک اپوزیسیون در معنای کلاسیک آن. آنان نیز تمایل چندانی به همکاری با تحول طلبان و ساختار شکنان نشان نمی دهند، مگر آن که بیشتر بتوانند به گونه ای ابزاری از آنها بهره جویند. کم هزینه بودن پروژه اصلاح طلبی و حضور گسترده صدها کادر و مدیران اصلاح طلب به آنان این قوت قلب را بخشیده است که به خود همچنان به عنوان یکی از مهمترین بدیل های سیاسی آینده ایران بنگرند و همین باور مبنای تنظیم رابطه آنان با دیگر مخالفان نظام است.

این سه رویکرد در مشی سیاسی هر یک بخشی از جامعه را تحت تاثیر خود دارد که به رغم هر همسویی هم که با یگدیگر داشته باشند - نظیر حضورشان در جنبش سبز- به سادگی در زیر یک سقف جمع نمی شوند. بگذریم از این که تنش های نیروهای اتنیکی تحت ستم و نیروهای مرکزی، تنش بین نیروهای سکولار و طرفداران حاکمیت دینی اصلاح شده ، جمهوری خواهان و سلطنت طلبان و طرفداران و مخالفان تحریم و حمله نظامی به ایران، جای خیلی خوش بینی برای "همایشی ملی" باقی نمی گذارد.

سیروس ملکوتی: اگر این رسالت را در نیروهای سیاسی در تبعید نمی بینید ، در کدام صحنه سیاست درون کشور میتوان این مهم را حادث ساخت؟ و اگر در رسالت نیروهای سیاسی تبعیدی میپنداریدش چه راهکاری را برای حادث سازیش پیشنهاد مینمایید ؟

مهرداد درویش پور: به گمان من به جای دامن زدن به توهم ایجاد "بدیل ملی" در خارج که شکاف با داخل را ممکن است افزایش داده و نوعی بدبینی در نزد مخالفان نظام در داخل و خارج نیز تولید کند، باید بلوک های گوناگون سیاسی تشکیل شوند تا امکان یک رقابت سیاسی سالم فراهم شود. این بلوک ها زمینه بهتری برای پیوند با داخل کشور، جدی گرفته شدن از سوی مردم و مجامع بین المللی حقوق بشری و نیروهای ترقیخواه، ایجاد تحرک در فضای سرد سیاسی امروز، تبدیل سیاست ورزی از شعار و عبارت پردازی انقلابی به پیوند با مخاطب و پایگاه اجتماعی و نمایندگی خواست آنها و حتی تنظیم روابط در میان خود اپوزیسیون فراهم می کند. علاوه بر آن مبارزه برای همگانی کردن شعار انتخابات آزاد بر پایه موازین بین المللی حقوق بشر، شاید از معدود مطالباتی است که زمینه یک همسویی ملی را در میان تمام

اقشار جامعه و نمایندگان سیاسی آن می تواند فراهم سازد.

بگذریم از این که انتخابات آزاد در چهارچوب نظام و یا بر فراز آن، خود موضوع تشتت دیگری در اپوزیسیون است که امر همگرایی را حتی در طیف جمهوری خواهان با دشواری روبرو ساخته است. برای نمونه برخی مبلغ سراب انتخابات آزاد از طریق "اجرای بی خدشه" قانون اساسی هستند که پذیرفتن این ادعا همچون واژه "جمهوری اسلامی" (جمهوریت و تئوکراسی) تنها با دست کاری در عقل آدمی میسر است. حال آن که برخی همچون ما خواهان الغای این قانون اساسی هستیم و بر این باوریم انتخابات آزاد بدون تغییر قانون اساسی میسر نیست. شاید هم در عمل توازن قوا و شرایط سیاسی نا به هنگام در فردا، ما را با راه دیگری روبرو سازد که گمان زنی در باره آن چندان میسر نیست. به هر رو با آن که این تفاوت ها جملگی واقعی اند اما راهی جز دیالوگ برای نزدیک تر ساختن اپوزیسیون به یکدیگر وجود ندارد. دیالوگ خود بخشی از راه حل دمکراتیک برای فردای ایران است و ما با سازماندهی میزگرد همگرایی جمهوری خواهان تلاش می کنیم در نهادینه کردن این فرهنگ به سهم و در توان خود ایفای نقش کنیم.

پیام اتحاد برای پیشبرد سکولار دمکراسی در ایران

پیام اتحاد برای پیشبرد سکولار دمکراسی در ایران
به

پنجمین گرد همائی سراسری جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران
دوستان گرامی

برگزاری پنجمین گرد همائی سراسری شما را تبریک میگوئیم. گردهمائی سراسری شما در شرایطی بر گزار میگردد که بحرانهای همه جانبه ای جامعه ایران، نظام اقتصادی و حیات سیاسی آنرا در بر گرفته است. این بحرانها که نتیجه استیلای رژیم استبدادی جمهوری اسلامی و سیاستهای نادرست آن است، با تحریمهای اقتصادی غرب به مراتب شدید تر شده اند و شرایط زندگی هم میهنان ما را با دشواری های سهمگینی

مواجه ساخته اند. خطر جنگی خانمانسوز نیزهنوز میهن ما را تهدید می کند. تمامی شواهد بر آنند که وضعیت کنونی قابل دوام نیست و ایران در انتظار موجی از حوادث و تغییراتی است که تاثیرات مهمی در سرنوشت مردم خواهند داشت. شدت و عمق این حوادث و تغییرات و مسیر تحولات ناشی از آنها نه از پیش تعیین شده اند و نه قابل پیش بینی هستند. آنچه اشکار است این واقعیت است که هر گاه نیروهای مترقی ایران از انسجام لازم بر خودار نباشند تاثیر چندانی در سوق دادن اوضاع به نفع مردم و ارمانهای ازادخواهانه آنان نخواهند داشت و بار دیگر نیروهای ارتجاعی تعیین کننده مسیر تغییر اوضاع خواهند گشت.

نابسامانی و عدم انسجام جنبش در داخل کشور و فقدان سازمانی که بتواند مردم را در شرایط بحرانی فردا هدایت نمایند بر کسی پوشیده نیست. این نقاط ضعف در بخش سکولار دمکراتیک جنبش، به خاطر سرکوب شدیدتر این بخش از جنبش توسط رژیم، حتی شدیدتر از جنبش عمومی مردم به چشم می خورد.

اما در خارج از کشور که شرایط فعالیت ازادانه نیز موجود است نیروهای سکولار دمکرات ایرانی چنان پراکنده اند که بخش اصلی انرژی و نیروی آنان در خرده کاری و دو باره کاریهای بی ثمر به هدر میرود و دارای اثر بخشی چندانی نیست.

دوستان عزیز، صدای جمهوریخواهان دمکرات و سکولار ایران در خارج از کشور صدای رسائی نیست و علت نخستین این نارسائی پراکنده گی صفوف آنان است. پس سزااست که چاره ای برای پایان دادن به این پراکنده گیها بیابیم و برای ایجاد بستر واحدی که بتواند نیروهای متحد ما را در مسیر واحدی هدایت کند و ثمر بخش سازد تلاش نمائیم. سازمان دادن ائتلافات پروژه ای برای انجام مشترکانه پروژه های گوناگون و کمیته ها یا شوراهای هماهنگی برای هماهنگ نمودن فعالیتهای نیروهای مختلف جمهوریخواهان سکولار دمکرات میتواند کمک موثری به رفع نابسامانهای کنونی بکند.

با این حال، به باور ما، بهترین بستر یک سازمان دمکراتیک واحد است که آمادگی داشته باشد که بر پایه یک سری موازین سیاسی پایه ای و تشکیلاتی دمکراتیک، همه جمهوریخواهان سکولارو دمکرات ایرانی در خارج از کشور را در درون خود بپذیرد و متشکل سازد تا بتواند جنبش عمومی ایرانیان خارج از کشور را بر علیه نظام خود کامه دینی در ایران و برای رسیدن به دمکراسی و حقوق بشر سازمان دهد.

با توجه به این نیازمیرم ، اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران نزدیک به دو سال پیش یک طرح سه لایه ای برای همکاری را تدوین نمود و بر پایه آن به مذاکره با جریان‌های مختلف دموکراتیک جمهوریخواه ، از جمله جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران ، پرداخت. ما در طی این مدت مکرراً اعلام داشته ایم که با هر نوع نزدیکی میان جریان‌های جمهوریخواه طرفدار سکولار دموکراسی موافق هستیم و در عمل از هر پیشنهادی برای همکاری‌های موردی ، ائتلافات پروژه ای و دستیابی به هماهنگی میان فعالیتهای این جریان‌ها استقبال کرده ایم. با این حال باور داریم که این نوع نزدیکی‌ها و همکاری‌ها - هر اندازه مثبت - هنوز به پراکنده گیهای موجود در صفوف ما پایان نمی دهند و خرده کاریها و دوباره کاریهای ما را به یک فعالیت متحدانه و ثمر بخش تبدیل نخواهند کرد. ایجاد یک سازمان واحد می تواند نقطه پایانی بر پراکندگیهای کنونی در صفوف ما و آغازی برای فعالیت موثرتر ما باشد.

دوستان گرامی

ما نیز چون شما به مواعنی که بر سر راه دستیابی به چنین هدفی هست اگاهیم. اما تجربه نزدیک به دو سال ما در گفتگوهای متقابل با جریان‌های مختلف به ما آموخته است که از میان برداشتن این موانع ، اگر چه مشکل ، اما غیر ممکن نیست. آنچه ضرورت دارد وجود یک اراده مشترک برای غلبه بر این موانع است که ما وجود آنرا در بسیاری از فعالین جریان‌های مختلف جمهوریخواهی مشاهده کرده ایم.

ما امیدواریم که پنجمین گرد همائی سراسری شما راه حل های عملی و مشخصی را جهت نزدیکی و وحدت در صفوف جمهوری خواهان دموکرات و سکولار ارائه دهد.

گرد همائی بسیار موفقی را برایتان آرزو می کنیم

هیئت سیاسی - اجرائی

اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران

گفتگوی اخبار روز با ناهید جعفر پور

برای برقراری جمهوری دموکراسی و جدائی دولت و دین مبارزه می کنیم

ناهید جعفر پور: من به عنوان یک فعال اجتماعی و دین‌ستیز، همیشه در پی برقراری دموکراسی و جدائی دولت و دین بوده‌ام. در این مسیر، با چالش‌های زیادی مواجه شده‌ام، اما هرگز تسلیم نشده‌ام. من معتقدم که برای برقراری دموکراسی، باید ابتدا دین را از سیاست حذف کرد. دین‌ستیزی به معنای نفی دین نیست، بلکه به معنای نفی دین‌سالاری است. ما باید دین را به جایگاه واقعی خود بازگردانیم و از او بی‌طرفی را تقویت کنیم. در این مسیر، ما نیاز به یک جامعه مدنی قوی داریم که بتواند با دین‌سالاری مبارزه کند.

در این مسیر، ما نیاز به یک جامعه مدنی قوی داریم که بتواند با دین‌سالاری مبارزه کند. ما باید دین را به جایگاه واقعی خود بازگردانیم و از او بی‌طرفی را تقویت کنیم. در این مسیر، ما نیاز به یک جامعه مدنی قوی داریم که بتواند با دین‌سالاری مبارزه کند. ما باید دین را به جایگاه واقعی خود بازگردانیم و از او بی‌طرفی را تقویت کنیم. در این مسیر، ما نیاز به یک جامعه مدنی قوی داریم که بتواند با دین‌سالاری مبارزه کند.

اخبار روز: پنجمین همایش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ماه آینده در شهر هانور برگزار می شود. شعار اساسی این همایش چیست و قرار است به چه مسایلی رسیدگی کند؟

ناهید جعفرپور: مسلماً شعار اساسی پنجمین نشست جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران همچنان “مبارزه برای برقراری جمهوری، استقرار دموکراسی و جدائی دولت و دین” در ایران است. اگر بپذیریم که مبارزه برای برقراری جمهوری و استقرار دموکراسی و جدائی دولت و دین از طریق تشکیل مجلس موسسان مردم میسر است. در این صورت به باور من روند رشد و اعتلای مبارزات مردم ناگزیر راه حل تشکیل مجلس موسسان مردم از طریق انتخابات آزاد و دمکراتیک برای تدوین قانون اساسی جدید را مطرح خواهد کرد. فرایند تبلیغ و ترویج این راه کار در عین حال کمک به رشد آگاهی اجتماعی نسبت به ضرورت تغییرات اساسی ساختاری در ایران و مضمون آن چه که باید جایگزین نظام کنونی شود، خواهد کرد. ما در نشست پنجم با توجه به همین شعار اساسی مان، در باره چند موضوع بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری خواهیم نمود که مهمترین آن به اعتقاد من موضوع :

۱. انتخابات ریاست جمهوری، تحولات سیاسی اجتماعی ایران و گذر از جمهوری اسلامی

۲. ضرورت همگرایی و اتحاد عمل گسترده جمهوریخواهان.
خواهد بود. مسلماً موضوعات دیگری هم در دستور کار نشست قرار دارد از جمله منشور پیشنهادی از سوی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران واحد پاریس که در این موارد هم امیدوارم نشست پنجم به نتایجی حاصل آید.

اخبار روز: آخرین وضعیت جنبش را چطور می توان ارزیابی کرد، چشم انداز امیدوار کننده است؟

ناهدید جعفرپور: طبیعتاً پرسش به این پاسخ را باید در ارزیابی از وضعیت عمومی مجموعه اپوزیسیون آزادی خواه، دمکرات و مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران دریافت. چرا که پراکندگی درون این طیف خود از موانع اساسی دستیابی به موفقیت های کوتاه و دراز مدت بوده است که ما هم (جدل) از این قاعده مستثنی نبوده ایم اما خوشبختانه جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران بخصوص در دوسال گذشته تلاش هایی در جهت فائق آمدن بر این پراکندگی انجام داده است. به اعتقاد من در شرایط پراکندگی کنونی ایجاد بلوکی قوی و نیرومند از گروه های مختلف جمهوریخواه باورمند به جمهوری، دمکراسی و جدائی دولت و دین با افق های فکری و سیاسی گوناگون می تواند از سوئی بر این پراکندگی غلبه نماید و از سوی دیگر راه حلی دمکراتیک برای عبور از رژیم جمهوری اسلامی ایران بیابد. از این روی هم دیالوگ و بحث و گفتگو در باره زمینه ها و موانع همگرایی جمهوریخواهان درون این طیف از اهمیت بسزائی برخوردار است. در این دیالوگ و بحث و گفتگو ها جمهوریخواهان می بایست هویت جمهوریخواهی خویش را مورد بازبینی قرار داده و در باره محدودیت های مضمونی و محتوائی خود با یکدیگر بحث و گفتگو پردازند و به ضعف ها و قوت های جمهوریخواهان در سطح کلان پردازند. برای مثال در همین طیف وسیع جمهوریخواهان باورمند به جمهوری، دمکراسی و جدائی دولت و دین بر سر دمکراسی و جدائی دین از دولت و عبور از جمهوری اسلامی و... نظرات، تعبیرها و تفسیرهای متفاوت و برخا کاملاً دوگانه وجود دارد و این بحث و گفتگو و دیالوگ ها کمک خواهد نمود تا این نظرات دوگانه و تفسیر و تعبیرها با یکدیگر به چالش کشیده شوند. آنچه مسلم است جمهوری خواهان درون این طیف تنها می توانند برمبنای اشتراکات و نه اختلافات با یکدیگر به یک مخرج مشترک برسند. اگر هم نتوانند به یک مخرج مشترک برسند، حداقل زمینه های همکاری و اتحاد عمل میان برخی از جمهوریخواهان که بهم نزدیک ترند سهل تر خواهد شد. تا چه حد در این امر موفق خواهند شد را نمی توان از هم اکنون پیش بینی نمود

اما من چشم انداز این روند را امیدوارکننده می بینم.

اخبار روز: ناکامی ها و دستاوردهایی که در این مدت بوده است؟

ناهید جعفرپور: همانطور که در بالا گفته شد جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران هم تحت تاثیر وضعیت کلی اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی در خارج و ناکامی های عمومی اش به دلیل پراکندگی و از همه مهمتر دوری از ایران و زندگی در تبعید ووو قرار دارد و تافته ای جدا از بافته نیست. اما به باور من مهمترین ناکامی جدل در دوره های اخیر عدم شرکت وسیع زنان در این جنبش و برخا دفع زنان از جدل بوده است. مسئله ای که متأسفانه از سوی جدل و همچنین از سوی سایر نیروهای درون اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی به آن بهای لازم داده نمی شود. در این راستا به همت تنی چند از همراهان جدل و برخی از نیروهای دیگر تلاش هایی شد اما از آنجا که پشتیبانی کافی را بدنبال نداشت ناموفق ماند. این ناکامی یکی از بزرگترین ضعف های اپوزیسیون جمهوریخواه است و اگر نتواند به مشکلات و معضلات نیم فعال جامعه یعنی زنان بپردازد، از ضعفی بزرگ برخوردار خواهد بود.

اما در باره دستاوردها خوشبختانه در دوره اخیر گروه ارتباطات شورای هماهنگی جدل موفق شده است دیالوگ های سازنده و گسترده ای با برخی از جریانات جمهوریخواه انجام دهد. در این بحث و گفتگو ها خوشبختانه نتایجی هم حاصل شده است از جمله سازماندهی کنفرانس های زنجیره ای بزرگ جمهوریخواهان در آینده ای نزدیک و دعوت از هر چه بیشتر نیروهای جمهوریخواه برای بحث و دیالوگ و گفتگو و بازتاب رسانه ای هر چه بیشتر این بحث و گفتگو ها در خارج از کشور و درسطح جامعه ایران.

اخبار روز: آیا روند جدایی ها ادامه دارد یا نشانه هایی از گسترش صفوف به چشم می خورد؟ مناسبات شما با سایر نیروهای اپوزیسیون در چه وضعی است؟

ناهید جعفرپور: متأسفانه ما در چند سال اخیر شاهد چندین جدائی درون اپوزیسیون چپ، آزادیخواه و دمکرات بوده ایم اما خوشبختانه در شرایط کنونی نشانه های خوبی در زمینه وحدت صفوف چپ و همچنین نزدیکی صفوف جمهوریخواهان وجود دارد. تا کنون جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران بر سر مسائل حقوق بشری با ۹ گروه جمهوریخواه اتحاد عمل هایی داشته است و اخیرا هم با برخی از نیروهای

جمهوریخواه روابط نزدیک تر بحث و گفتگو برقرار نموده است. همانطور که ذکر شد یکی از تم های مهم نشست پنجم جدل هم ضرورت همگرایی و اتحاد عمل گسترده میان اپوزیسیون جمهوریخواه و باورمند به سه ارزش در بالا ذکر شده است.

اخبار روز: جمهوری خواهان دموکرات و لائیک با چه سیاستی به استقبال انتخابات خرداد ماه می رود؟

ناهد جعفرپور: با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران از تحریم انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری در ایران جانبداری می کند. اهمیت این تحریم زمانی می تواند بهتر درک شود که تلاش های تاکنونی جمهوری اسلامی برای کسب مشروعیتی مردمی مورد توجه قرار گیرد. رژیم جمهوری اسلامی از آغاز روی کار آمدنش تا به امروز همواره تلاش نموده است به جهانیان نشان دهد که از پشتیبانی مردم ایران در تمامی زمینه ها برخوردار است. از این روی هم همواره می کوشد رای مردم را در انتخابات مختلف و از جمله مهمترینش یعنی انتخابات ریاست جمهوری به حساب رای داوطلبانه مردم به نفع حکومت و برای بقای جمهوری اسلامی وانمود کند. از این روی شرکت در انتخابات فرمایشی دوره یازدهم ریاست جمهوری، بویژه در شرایطی که این رژیم بیش از هر زمان دیگر هم در میان مردم ایران و هم در میان مردم جهان منزوی و رسوا شده است، به ادعای مشروعیت مردمی آن یاری خواهد رساند. عدم شرکت گسترده مردم در انتخابات، برعکس، نشانه های مخالفت با استبداد و خواست آزادی و دموکراسی به سوی ایرانی رها از جمهوری اسلامی است.